



رمانتیسیم آلمانی

مفهوم رمانتیسیم آلمانی اولیه

فردریک ییزر

ترجمه سیدمسعود آذرفام

این کتاب ترجمه‌ای است از:

The Romantic Imperative

The Concept of Early German Romanticism

Frederick C. Beiser

Harvard University Press, 2003



انتشارات ققنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری،

شماره ۱۱، تلفن ۶۶۲۰۸۶۴۰

ویرایش، آماده‌سازی و امور فنی:

تحریریه انتشارات ققنوس

* * *

فردریک بیزر

رمانتیسیم آلمانی

مفهوم رمانتیسیم آلمانی اولیه

ترجمه سیدمسعود آذرفرام

چاپ سوم

۶۶۰ نسخه

۱۴۰۲

چاپ نقش و نشان

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۳ - ۴۸۰ - ۲۷۸ - ۶۰۰ - ۹۷۸

ISBN: 978-600-278-480-3

www.qoqnoos.ir

Printed in Iran

۲۸۰۰۰۰ تومان

معنای «شعر رمانتیک»

۱. اهداف و محذورات^۱

آرتور لاجوی^۲ در سال ۱۹۲۳ نوشت «رمانتیسم ننگ تاریخ و نقد ادبی» است. لاجوی استدلال می‌کند که بهتر است چنین مفهوم آشفته و مغشوشی را ترک گفت، چرا که دانشوران شروخی تماماً متعارض از معنای آن به دست داده‌اند. آنچه دانشوری به عنوان روح و ذات راستین رمانتیسم می‌دیده، دیگری آن را عیناً نقیض آن روح یا ذات می‌انگاشته است. لاجوی اشاره می‌کند که این مشکل صرفاً از این امر برنمی‌آید که از متونی واحد تفاسیری متعارض در دست داریم، بلکه همچنین ناشی از آن است که در باب این‌که کدام متون در وهله اول باید متون رمانتیک به حساب آیند اتفاق‌نظری وجود ندارد. برای علاج چنین آنارشی‌ای، او پیشنهاد می‌کند در عوض صورت مفرد «رمانتیسم»، از صورت جمع «رمانتیسم‌ها» سخن بگوییم.^(۱)

از زمانی که لاجوی این سطور بحث‌انگیز را نوشت، کوشش‌های درخور توجهی در جهت پاسخ به او صورت پذیرفته است. برخی از دانشوران کوشیده‌اند در پس جنبه‌های آشکارا متناقض رمانتیسم، مشخصه‌های مشترکی بیابند،^(۲) حال آن‌که دیگران به الگوهای کلی در پس بهره‌گیری از اصطلاح «رمانتیک» در کشورهای اروپایی مختلف پی برده‌اند.^(۳) اگرچه اغلب این آثار

1. Scruples 2. Arthur Oncken Lovejoy

آموزنده و روشنگر بوده‌اند، این‌که تا چه حد ما را به پاسخ نزدیک ساخته‌اند محل تردید است. مشکل این است که این مشخصه‌های مشترک و الگوهای همه‌شمول به حدی کلی و کم‌جان‌اند که قادر نیستند ما را در فهم یکی از رمانتیسم‌ها، یعنی اهداف، ایدئال‌ها و باورهای مشخص متفکرانی که در یک زمینه فکری بخصوص اندیشیده‌اند، یاری رسانند. بدتر این‌که، چنین تعمیماتی بسیار شکننده‌اند، چرا که به آسانی می‌توان آن‌ها را با ذکر چند مثال نقض رد کرد. بدین دلایل، پیروی از پیشنهاد لاجوی هنوز راهی محتاطانه و معقول می‌نماید.

بنابراین، با متابعت از لاجوی، بر آن خواهم بود که همه ادعاها مبنی بر سخن گفتن از رمانتیسم به نحو عام را کنارگذارم و در عوض بر یکی از رمانتیسم‌ها متمرکز شوم. من خواهان آنم که یک دوره کوتاه از حیات فکری آلمان را که از اواخر قرن هجدهم تا اوایل قرن نوزدهم به طول انجامیده، و به آلمانی با عنوان Frühromantik و در انگلیسی با عنوان «رمانتیسم اولیه آلمانی»^۱ مصطلح است بررسی کنم. دانشوران عموماً درباره تاریخ تقریبی رمانتیسم اولیه اتفاق نظر دارند: این دوره از تابستان ۱۷۹۷ آغاز شده و تا تابستان ۱۸۰۱ دوام داشته است.^(۲) البته اختلافی جزئی در باب چهره‌های کلونی این جنبش وجود دارد. این چهره‌ها مشتمل‌اند بر ویلهلم هاینریش واکرنرودر^۲ (۱۷۷۳-۱۸۰۱)، فریدریش ویلهلم یوزف شلینگ (۱۷۷۵-۱۸۴۵)، فریدریش شلاپرماخ (۱۷۶۷-۱۸۳۴)، فریدریش شلگل (۱۷۷۲-۱۸۲۹) و برادر او آوگوست ویلهلم شلگل^۳ (۱۷۶۷-۱۸۴۵)، لودویگ تیک^۴ (۱۷۷۳-۱۸۵۳) و فریدریش فون هاردنبرگ^۵ (۱۷۷۲-۱۸۰۱)، که با نام مستعارش «نووالیس» شناخته شده‌تر است.

اکنون تمایل دارم یک پرسش بسیار اساسی درباره رمانتیسم اولیه مطرح سازم، و آن این است که رمانتیک‌های جوان از عبارت «شعر رمانتیک» (romantische Poesie) چه مراد می‌کردند؟ بی‌شک، این سؤال ساده‌ای نیست، و پاسخ تمام و کمال بدان مستلزم نگارش چندین جلد کتاب است. خود فریدریش شلگل به برادر خویش تذکار می‌داد که قادر نیست شرحی بسنده از مقصود

1. early German romanticism

2. W. H. Wackenroder

3. August Wilhelm Schlegel

4. Ludwig Tieck

5. Friedrich von Hardenberg

خویش از شعر رمانتیک را مگر در قالب متنی ۱۲۵ صفحه‌ای عرضه کند.^(۵) من در این جا ادعا نمی‌کنم که توضیحی کامل از معنای این اصطلاح بسیار غامض و فزّار ارائه می‌دهم. و بر آنم تمام پرسش‌های مربوط به ریشه‌شناسی را کنار ب‌نهم و هر بحثی راجع به بنیان‌های فلسفی آن را مسکوت بگذارم. همه آنچه اکنون می‌خواهم طرح پرسشی بسیار اساسی درباره معنای این عبارت است. به این معنی که [این عبارت] به چه چیزی اطلاق می‌شود؟ یا مختصر این‌که وقتی رمانتیک‌های جوان درباره شعر رمانتیک حرف می‌زدند از چه امری سخن می‌راندند؟

من بررسی مفهوم شعر رمانتیک را از آن روی برگزیده‌ام که این مفهوم هنوز بهترین مدخل برای ورود به جهان جادویی و اسرارآمیز رمانتیسم اولیه آلمانی است. شکی نیست که این مفهوم برای خود رمانتیک‌های جوان نیز محوریت داشته است. این مفهوم بسیاری از علایق و ایدئال‌های اساسی آنان را ابراز می‌کرده یا پیش‌فرض می‌گرفته است، و آن‌ها گهگاه از این مفهوم به منظور متمایز کردن ایده‌هایشان از گذشتگان بهره می‌برده‌اند. با وجود این، و علی‌رغم اهمیت مفهوم شعر رمانتیک برای رمانتیک‌ها، ضرورت دارد به یاد داشته باشیم که آنان خود را در قالب این مفهوم تعریف نمی‌کردند. آنان هرگز برای اشاره به خود عنوان *die Romantiker* [رمانتیک‌ها] یا *die romantische Schule* [مکتب رمانتیک] را به کار نمی‌بردند. این اصطلاح نخستین بار فقط در سال ۱۸۰۵ برای گروهی از رمانتیک‌ها به کار گرفته شد، و پس از آن تنها از روی هجو استعمال می‌شد؛ و استفاده از این اصطلاح در مضمونی خنثی، بسیار مشابه معنای امروزی آن، در دهه ۱۸۲۰ باب شد.^(۶) با این حال، مشروط بر این‌که دریابیم رمانتیک‌ها خود را با این اصطلاح تعریف نمی‌کردند، زمان‌پریشی در رمانتیک نامیدن آن‌ها نادرست نیست؛ در واقع، مفهوم شعر رمانتیک به حدی برای رمانتیک‌های جوان تعیین‌کننده بود که رمانتیک نامیدن آن‌ها موجه است.

البته رمانتیک‌های جوان بسی پیش‌تر اهمیت مفهوم شعر رمانتیک را دریافته بودند. این امر موضوع تحقیقات فشرده بسیاری از دانشوران برجسته بوده است، که از میان آنان می‌توان رودولف هایم، آرتور لاجوی، هانس آیشنر^۱ و ارنست

بلر را برشمرد. از این رو بهتر است این پرسش را مطرح سازیم که بازنگری در این مفهوم چه سودی دارد. دلیل اصلی من برای بازنگری در این مفهوم این است که برداشت سنتی، و کماکان بسیار رایج، از رمانتیسم آلمانی اولیه را از نو بر رسم مطابق با این برداشت، رمانتیسم اولیه اساساً جنبشی ادبی و انتقادی، و عمده هدف آن پروراندن شکلی جدید از ادبیات و نقادی در واکنش به ادبیات و نقادی نئوکلاسیک بوده است.^(۷) این تفسیر مفهوم شعر رمانتیک را به منزله محور و بنیان برگرفته، چنین می‌پندارد که این جنبش به چیزی جز شکلی جدید از ادبیات و نقادی اختصاص نداشته است.

بگذارید همین حالا نظر خود را رُک و راست بگویم و اقرار کنم که به گمان من تفسیر سنتی فاجعه بوده است. مشکل اصلی در پس این تفسیر این است که به توجیه تقسیم کار دانشگاهی‌ای پرداخته است که واجد دو پیامد بسیار زیانبار برای مطالعه رمانتیسم اولیه بوده است. نخست این‌که، بسیاری از فیلسوفان موضوع رمانتیسم اولیه را نادیده می‌انگارند، چرا که به گمان آنان دغدغه‌های اصلی این جنبش معطوف به حوزه ادبیات بوده است. دوم این‌که، این موضوع تقریباً در انحصار دانشوران ادبی قرار گرفته است، کسانی که به قدر کفایت به ایده‌های بنیادین متافیزیکی، معرفت‌شناختی، اخلاقیاتی و سیاسی که در واقع بنیان‌های واقعی رمانتیسم اولیه‌اند توجه نداشته‌اند. در نتیجه، فلاسفه افق‌های فکری محدودی دارند، حال آن‌که دانشوران ادبی نیز واجد فهمی بسیار خام‌دستانه از موضوع پژوهش خویش‌اند.

با این همه، اگرچه به گمانم برداشت ادبی معیار چنین پیامدهای ناگواری داشته است، نمی‌خواهم بگویم که حق با من است. من خواهان نقد تفسیر معیار بر اساس زمینه‌های خود آن، با بازنگری در همان متونی هستم که به نظر از این تفسیر حمایت می‌کنند. گلابه اصلی من این است که چنین تفسیری حق مطلب را در توضیح مفهوم اصلی مد نظر خود، یعنی شعر رمانتیک، ادا نمی‌کند. در برابر تفسیر سنتی، من خواهان آنم که دو برنهاد^۱ درباره معنای این مفهوم پیش نهم. اولاً این مفهوم نه تنها به ادبیات، که به کل هنرها و علوم ارجاع دارد؛

در واقع دلیلی ندارد که معنای آن را به آثار ادبی محدود کنیم، چرا که همین مفهوم در پیکرتراشی، موسیقی و نقاشی نیز کاربست دارد. ثانیاً مفهوم شعر رمانتیک نه تنها به هنرها و علوم بلکه به انسان‌ها، طبیعت و دولت نیز اختصاص دارد. هدف زیبایی‌شناسی رمانتیک اولیه در واقع رمانتیک ساختن خود جهان بوده است، تا این‌که انسان‌ها و جامعه و دولت نیز بتوانند به آثار هنری بدل شوند.

پس مطابق با تفسیر من، شعر رمانتیک نه به شکلی از ادبیات یا نقادی بلکه به ایدئال زیبایی‌شناختی کلی رمانتیک‌ها اختصاص دارد. این ایدئال به‌راستی انقلابی بوده است: چنین ایدئالی خواهان دگرگونی نه تنها ادبیات و نقادی، که کل هنرها و علوم است؛ و بر این نکته تأکید می‌کند که باید موانع میان هنر و زندگی را در هم شکست، تا جهان، خود، «رمانتیک گردد».^(۸)

۲. تفسیر معیار

انتظار کافی است. پیش از نقادی تفسیر معیار بگذارید، به جهت رعایت انصاف، به توضیح آن با جزئیات بیشتری بپردازم. این کار ما را در دیدن محدودیت‌های این تفسیر یاری خواهد رساند.

تفسیر معیار مدعی است که هدف اصلی رمانتیک‌های جوان آفریدن نوعی ادبیات و نقادی رمانتیک جدید بوده است، که آن را در واکنش به ادبیات و نقادی نئوکلاسیک قرون هفدهم و هجدهم پرورانده‌اند. این ادبیات نئوکلاسیک می‌توانست دو شکل به خود بگیرد: یا به سنت نئوکلاسیک اوایل قرن هجدهم در فرانسه و آلمان ارجاع داشته باشد؛ یا به نئوکلاسیسیسم «گوته، شیلر و فوس» در اواخر قرن هجدهم اختصاص یابد، که در واکنش به رمانتیک‌ها صورت‌بندی شد. معمولاً تقابل میان رمانتیک و کلاسیک، در مورد ارزش‌های ادبی رمانتیک‌ها در برابر ارزش‌های گوته و شیلر متأخر به کار می‌رود.

تقابل رمانتیسم با نئوکلاسیسیسم هرچه باشد، مقدمه بنیادین در پس تفسیر معیار این است که عبارت شعر رمانتیک به شکلی از ادبیات اشاره دارد. تنها

پرسشی که باقی می ماند این است که کدام شکل، یا به نحو دقیق تر این که چگونه باید این شکل را توصیف کرد.

این اهمیت دارد که به مفروضات دقیق در پس این مقدمه بنگریم. برخلاف تداعی های اصطلاح Poesie [شعر] چنین پنداشته نشده است که این عبارت تنها به شعر، یعنی ادبیات منظوم،^۱ اختصاص دارد. همه می دانند که رمانتیک ها عبارت شعر رمانتیک را برای ارجاع به آثار منشور^۲ نیز به کار می بردند. همچنین در این مقدمه فرض نشده است که این عبارت به ژانر یا سبک خاصی از شعر یا نثر همچون شعر غنایی،^۳ شعر حماسی^۴ یا چکامه کوتاه^۵ ارجاع دارد؛ چرا که همگان نیز اتفاق نظر دارند که شعر رمانتیک به نوعی تلفیق یا ترکیب سبک ها ارجاع دارد، اثری که قادر است چندین ژانر را در یک جا گرد آورد. با این حال، آنچه فرض گرفته شده این است که اصطلاح شعر - نوع [ادبی] ای که شعر رمانتیک تنها گونه ای از آن است - به نوعی کاریست ادبی زبان اشاره دارد، هرچند به سبکی التقاطی باشد، خواه به نثر و خواه به نظم.

شواهدی به سود چنین تفسیری وجود دارد، اگرچه بسیاری از آن ها برآمده از نوشته های اولیه شلگل هستند، به خصوص متونی که میان سال های ۱۷۹۵ تا ۱۷۹۷، تاریخ های تخمینی مرحله نوکلاسیک گرایانه اولیه او، نگاشته شده اند. پس از آن، شلگل اصطلاح «شعر» را بیشتر به منظور ارجاع به شعر، به خصوص اشکال گوناگون نظم، همچون شعر غنایی، شعر حماسی و همچون^۶ به کار برد. اما او این اصطلاح را منحصرأ در این معنای ضیق استفاده نمی کرد، چرا که او این [مفهوم] را برای اشاره به نگاشته های منشور نیز استعمال می کرد. مثلاً برای او غریب می نمود که هر در^۷ رمان های ادبیات مدرن اولیه را به منزله «شعر» نمی انگاشت؛ با این که این آثار به نثر بودند، نزد شلگل هنوز «شعر منشور» به حساب می آمدند.^(۹) به نظر، تعریف مصرح شلگل از شعر مطابق با این مفروض است که این اصطلاح مختص به نوعی کاریست ادبی زبان یا هر

1. verse 2. prose 3. lyric 4. epic 5. idyll 6. satire

7. Johann Gottfried Herder

فراورده^۱ زیبایی شناختی در قالب واژگان است. بنا به تعریف او، «شعر هر آن کاربرد زبان است که هدف اصلی یا ثانویه اش امر زیباست»^(۱۰) شلگل همچنین محتاطانه شعر را از سایر هنرها متمایز می سازد. او در یکی از قطعات اولیه خود شعر را در کنار موسیقی و پیکرتراشی به یکی از سه شکل هنر بدل می سازد.^(۱۱) آنچه این سه شکل هنر را از یکدیگر متمایز می سازد رسانه متفاوت آنهاست. در حالی که واسطه موسیقی حرکت است و واسطه پیکرتراشی جسم است، واسطه شعر زبان است. بنابراین، به اختصار، نزد شلگل جوان، شعر تنها یکی از هنرهاست؛ شعر هنری است که واسطه آن زبان است و هدف آن خلق زیبایی است. این امر به ظاهر مفروض اساسی در پس تفسیر معیار را تأیید می کند، مبنی بر این که شعر رمانتیک به شکل خاصی از ادبیات ارجاع دارد.

با این حال، این سؤال عمده بی پاسخ می ماند که آیا شلگل، زمانی که در اوایل سال ۱۷۹۷ نوکلاسسیسم خود را ترک می گوید و مفهوم شعر رمانتیک خود را می پروراند، همچنان از اصطلاح «شعر» در این مضمون استفاده می کند [یا نه]؟ مفروض ضمنی در پس تفسیر معیار این است که شلگل مفهوم اولیه خود از «شعر» را زمانی که مانیفست شعر رمانتیک خویش را در قطعه آتیوم شماره ۱۱۶^۲ نوشت، که مثال بارز تعریف رمانتیک اولیه است، حفظ کرد. این امر مسلم است که بعدها شلگل معنای مفهوم «شعر» را بسط می دهد، به طوری که از سال ۱۸۰۰ او این مفهوم را تقریباً برای همه اشکال هنر و در واقع نفس طبیعت به کار می بست. اما هنوز چنین پنداشته می شود که او تا سال ۱۷۹۸ این مفهوم را اساساً در معنای اولیه آن استعمال می کرده است. در واقع مسلم است که «شعر» به فراورده ای ادبی، خواه نظم و خواه نثر، ارجاع دارد. تنها پرسشی که میان دانشوران فاصله افکنده این است که شعر رمانتیک چه نوع فراورده ادبی ای بوده است.

دوام این مفروض از مناقشه ای مشهور راجع به معنای دقیق شعر رمانتیک در قطعه آتیوم شماره ۱۱۶ آشکار می شود. مناسبت این مناقشه ادعای بی پرده رودولف هایم در مکتب رمانتیک آمرانه اوست که، مبنی بر آن، شعر رمانتیک

The Romantic Imperative

جنبش رمانتیسم به طور کلی و رمانتیسم المانی به طور خاص اهمیت بسزایی در سیر تطور اندیشه غرب داشته، اما متأسفانه این جنبش تاکنون غالباً موضوع مطالعه پژوهندگان ادبیات بوده و سوبه‌های دیگر این جنبش همواره تحت الشعاع سوبه ادبی آن قرار گرفته است. کتاب حاضر، با شوریدن بر این رویکرد غالب، بر آن است تا نشان دهد ادبیات و زیبایی‌شناسی این جنبش در حقیقت فرع بر متافیزیک، اخلاق و سیاست آن بوده، و امیدوار است بتواند با این شیوه رویکرد مطالعاتی به رمانتیسم — با محوریت رمانتیسم المانی اولیه — را دگرگون کند.



ISBN 600278480-2



9 786002 784803

— Graphic Designer: Z. Azizmohamadi —